دانش
نگاهی به رهنورد اروپایی اگزومارس ۲۸

دانش
ارتباط فشار خون و مشکلات تنفسی ۲۸

خانه
روز مادر ملکه جشن‌های جهان . ۲۹

جامعه
استانبول ایرانی‌ها را نمی‌شناسد . . ۳۰

گفت‌وگوی اختصاصی شرق با رئیس سازمان بهزیستی کشور:

به خط بحران نزدیک هستیم

بنفشه سام گیس

گروه اجتماعی : روز گذشته بخش اول گفت وگوی شرق با رئیس سازمان بهزیستی کشور در همین صفحه چاپ شد . امروز بخش دوم و پایانی گفت وگو با دکتر ابوالحسن فقیه را می خوانید .

عکس: عباس کوثری، شرق

■این ایراد همواره به سازمان بهزیستی وارد بوده که سازمان در یک مکان ثابت و ساکن مانده تا افراد نیازمند در هر زمینه‌ای به سازمان مراجعه کنند، در واقع اگر نیازمندان به سراغ شما نیایند، شما سراغ آنها نمی روید . آیا واقعاً تعریف بهزیستی این است؟ چتر ایمنی امسال برای چه کسانی گسترش خواهد یافت؟ برای کسانی که به شما مراجعه کرده‌اند .

اگر ما در پی شناسایی نیازمندان نیستیم از کمبود اعتبارات سرچشمه می گیرد . در عین حال آنقدر مددجو داریم که فرصت رسیدگی به تمام آنها را نداریم .

استانداری وجود دارد . یک مددکار باید حداکثر روزی دو نفر را مشاوره کند در حالی که ما مددکارانی داریم که در روز ۱۵ مراجعه را پذیرش کرده‌اند . در واقع حجم مراجعات آنقدر بالا بوده که مددکار فرصت پوشش موارد خارج از سازمان را نداشته است . من اینجا از روسای پیشین سازمان دفاع می کنم . ما در مواردی مراجعه به آسیب و فرد آسیب دیده داشته‌ایم مثل طرح شناسایی معلولان در روستاها که تا به حال ۶۰ هزار معلول توسط بهورزان در روستاها شناسایی شده‌اند .

در طرح شناسایی دختران فراری هم پایگاه‌هایی در ترمینال‌ها و پارک‌ها دائر کرده‌ایم که مددکار ما در این مکان‌ها حضور دارد و دختران فراری را شناسایی کرده، با آنان صحبت کرده و آنان را به خانه سلامت هدایت می کند . منتها مشکل اینجا است که فعالیت این پایگاه‌ها شبانه‌روزی نیست . یعنی اگر یک دختر فراری ساعت هشت شب به پارک یا ترمینال بیاید، تحت پوشش قرار نمی گیرد چون فعالیت پایگاه تمام شده است .

ما قصد توسعه اورژانس اجتماعی را داریم و توسعه این طرح در این جهت است که ما هم می‌دانیم که این شیوه خدمات‌رسانی، صحیح نبوده و ما باید شناسایی و مراجعه کنیم تا آنکه منتظر رجوع باشیم .

■اتفاقاً به مورد خوبی اشاره کردید . شما مدتی در پزشکی قانونی حضور داشته‌اید و در واقع عضوی از خانواده قضایی کشور به شمار می آیید و شما می دانید که مددکار بدون در دست داشتن حکم قضایی نمی تواند در بحران مداخله کند . گفته می شود که از کل تلفن های روزانه به اورژانس اجتماعی، حدود ۶۰۰ پرونده نیاز به مداخله در منزل دارد که اتفاقاً مواردی چون همسرآزاری، کودک آزاری و سالمندآزاری را دربرمی گیرد ولی مددکار به دلیل نداشتن پشتوانه قضایی نمی تواند در این موارد دخالت کند و صاحب خانه به راحتی این اجازه را دارد که از ورود مددکار به داخل خانه جلوگیری کند و قانون هم از او حمایت می کند . شما این مشکل را چگونه حل می کنید؟

قطعاً اورژانس اجتماعی راه نمی افتد مگر اینکه قوه قضائیه و پلیس ۱۱۰ هم همراه ما باشند . فعلاً قرار بر این است که تیمی تشکیل شود .

■ پس هم‌اکنون تیم هم وجود ندارد؟

خیر . فقط سازمان بهزیستی فعال است . اما در دیداری که با رئیس قوه قضائیه داشتیم این مسئله را مطرح کردیم .

■ این تیم چه زمانی تشکیل خواهد شد؟

ان شاءالله در آینده نزدیک .

■ به من زمان بگویید آقای فقیه . شاید این روزنامه به دست زنی برسد که تحت خشونت قرار گرفته است اما نمی داند چه بکند .

حل این مشکل فقط دراختیار ما نیست . ما اعتباراتی برای فعالیت‌های‌مان دراختیار داریم و امسال هم قول دادیم که در ۲۰ استان اورژانس اجتماعی را راه‌اندازی کنیم . همکاری با پلیس ۱۱۰ هنوز به طور رسمی آغاز نشده البته از نظر قانونی مشکل زیادی وجود ندارد فقط باید تفاهمی امضا شود که اگر مددکار نیاز به حضور پلیس داشت بر اساس این تفاهم کار تسریع شود .

■ ولی مددکار باید به تنهایی ضابط قانونی باشد .

قبول دارم ولی الان این اتفاق نمی افتد . با شرایط فعلی جا انداختن این مسئله بسیار سخت است . مددکار ضابط قضایی خواهد شد و این ایده‌آل ما است ولی هم‌اکنون کار تیمی را در دستور کار قرار دادیم چون اگر امروز درخواست می کردیم که مددکار عنوان ضابط قضایی پیدا کند شاید تا پنج سال دیگر هم این اتفاق نمی افتاد .

■ این تیم تا پایان سال ۸۵ تشکیل می شود؟

امیدواریم .

■ بگوییم تشکیل می شود؟

ان شاءالله . ولی تشکیل این تیم هم صرفاً در حوزه کار ما خلاصه نمی شود . باید اقدامات کارشناسی صورت پذیرد . به همین دلیل فعلاً خوشبین هستیم که تیم تشکیل شده و سپس با رفع مشکلات قانونی بتوانیم اختیارات لازم را برای مددکار ایجاد کنیم .

■ مدیران سابق سازمان بهزیستی اعتقاد داشتند که آسیب‌های اجتماعی در ایران هنوز به مرحله بحران نرسیده است . شما بگویید که بحران آسیب‌های اجتماعی چه زمان ایجاد خواهد شد و شما چه تعریفی از بحران دارید؟ وضعیت فعلی آسیب‌های اجتماعی در کشور چگونه است و در کدام بخش به بحران رسیده‌ایم؟

در مجموع و با یک نگاه کلی می توانم بگویم که هنوز در بحث آسیب‌های اجتماعی به بحران نرسیده‌ایم . البته در بعضی موارد، آمار بسیار بالا است مثل اعتیاد . تعداد معتادان کشور افغانستان از تعداد معتادان ما کمتر است در حالی که افغانستان محل کشت خشخاش است . در واقع در میان کشورهای همسایه، ایران از بابت تعداد معتادان رتبه اول است و متاسفانه تعداد معتادانمان بسیار بالا است . اما در بعضی موارد مثل خودکشی، با توجه به بررسی‌های انجام شده می بینیم که آمار سایر کشورها از ما بیشتر است . هم‌اکنون دغدغه اجتماعی داریم و زنگ خطری ما را متوجه شیوع آسیب‌ها می کند و اگر به فکر باشیم می توانیم بحران را به عقب بیندازیم .

■ در کدام بخش اولویت قائل می شوید؟

اگر فقر را به عنوان آسیب ببینیم، مادر آسیب‌های اجتماعی در کشور ما فقر است .

■ با توجه به جمعیت زیرخط فقر در کشور آیا از این بابت هم‌اکنون در بحران قرار داریم؟

خیر ولی وضعیتمان نگران‌کننده است . بعد از فقر می توانم از اعتیاد نام ببرم . در عین حال که به دلیل وجود آمار متناقض نمی توانم با قطعیت بگویم که آیا اعتیاد در مرحله بحران قرار دارد یا خیر . اما به هر حال فقر و اعتیاد جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در کشور ما هستند یعنی فعلاً به خط بحران بسیار نزدیک هستیم .

■ ولی شما با توجه به وضعیت آسیب‌ها باید برنامه‌ریزی کنید پس باید وضعیت دقیقی ترسیم کنید .

ما اولویت‌بندی کردیم و بر مبنای همان اولویت‌ها از فقر و اعتیاد نام بردم . من فقر را بالاتر از اعتیاد می بینم و سومین اولویت را برای خشونت علیه زنان قائل می شوم . آسیبی که گستره وسیعی را شامل شده و موضوع دختران فراری و همسرآزاری و زنان خیابانی را هم دربرمی گیرد .

■ درباره اولویت‌ها در توزیع بودجه صحبت کنید . از بودجه ۴۳۰ میلیارد تومانی امسال سازمان بهزیستی فقط ۵ درصد به بحث پیشگیری و فقط ۶ میلیارد تومان به آسیب‌های اجتماعی اختصاص یافته است . با توجه به همین اولویت‌هایی که برای وضعیت آسیب‌های اجتماعی در کشور قائل شدید آیا از وضعیت توزیع بودجه راضی هستید؟

بودجه‌بندی سازمان بهزیستی تا به حال از یک شیوه سنتی پیروی می کرده و ما هم برای سال ۸۵ از همین شیوه تبعیت کردیم . در عین حال تغییرات جزیی ایجاد کردیم مثلاً به بعضی بخش‌ها که هیچ بودجه‌ای نداشتند برای اولین بار بودجه اختصاص دادیم که از آن جمله می توان به تخصیص دو میلیارد تومان یارانه برای مهدهای کودک واقع شده در مناطق حاشیه شهر یا شهرهای محروم اشاره کنم . در واقع اگر کودکی که در یک محله آسیب‌زا زندگی می کند در مهدکودک به خوبی آموزش ببیند می تواند آموزش را به خانواده هم منتقل کند . لذا تخصیص یارانه به این گونه مهدهای کودک بسیار ضروری بود در این جهت که خانواده‌های ساکن در این مناطق که عمدتاً از اقشار کم‌درآمد بودند ترغیب شوند که فرزندشان را به مهدکودک بفرستند . این یارانه به دفتر کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی تعلق گرفت اما می تواند به منزله صرف هزینه‌ای برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هم تلقی شود . سیاست جدید ما این است که وظایف دیگران را به آنها واگذار کنیم و وظایف خودمان را خوب انجام بدهیم . به عنوان مثال در بحث اعتیاد، سازمان بهزیستی سه مقوله پیشگیری و درمان و کاهش آسیب را توامان انجام می دهد در حالی که متولی درمان، وزارت بهداشت است . به همین سبب ما اولویت را برای پیشگیری و کاهش آسیب قائل شدیم در عین حال که درمان را حذف نکرده‌ایم و بر مبنای این تغییر نگاه فعالیت می کنیم .

■شما در حال حاضر ۲۱ هزار معتاد را از طریق کاهش آسیب در شهر تهران تحت پوشش دارید که متادون دریافت می کنند . با این تغییر نگرشی که به آن اشاره کردید، با این گروه چه خواهید کرد؟

اصلاح کنم که علاوه بر معتادان تهران، ۱۲۰ هزار معتاد هم در سراسر کشور پوشش داده‌ایم . ما درمان را حذف نکردیم اما قصد بر این است که از این پس به جای کلنجار رفتن با وزارت بهداشت و انتظار کشیدن برای دریافت متادون از دانشگاه علوم پزشکی تهران، وقتمان را به گسترش مراکز کاهش آسیب اختصاص بدهیم . ما در کل کشور فقط ۲۸ مرکز کاهش آسیب داریم و در دو استان کشور هیچ مرکز کاهش آسیبی وجود ندارد و در حالی که فقط در شهر تهران ۵۰ محله آسیب‌خیز شناسایی شده است در شهر تهران فقط ۹ مرکز کاهش آسیب اعتیاد فعال است . ما باید این مراکز را گسترش بدهیم . از نظر ما همان سرنگی که از طریق مراکز کاهش آسیب اعتیاد جمع‌آوری می‌شود، در جهت پیشگیری از ابتلا به ایدز است .

■آیا شما از این شیوه توزیع بودجه راضی هستید؟

خیر . باید فراوان کار کنیم . در عین حال امسال می توانیم سیاست‌های خودمان را در توزیع بودجه دخالت دهیم .

■در دوره پیشین فعالیت سازمان بهزیستی، برخی از نمایندگان مجلس و مسئولان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی معتقد بودند که اگر سازمان بهزیستی بودجه تخصیص یافته خود را به خوبی مدیریت کند به هیچ وجه با کسری بودجه مواجه نخواهد شد . آیا شما این نظر را قبول دارید؟

این اظهار نظر صحیح نیست و من آن را قبول ندارم . بودجه ما چگونه توزیع می شود؟ بیش از ۵۰ درصد بودجه‌مان صرف مستمری بگیرانی می شود که تعدادشان ثابت و مشخص است . حقوق پرسنل هم ۳۵ درصد از اعتبارات را به خود اختصاص می دهد و قابل کم و زیاد شدن هم نیست . حدود ۱۵ درصد از بودجه تخصیص یافته باقی می ماند که ما می توانیم برای آن برنامه‌ریزی کنیم و آن، بودجه طرح‌ها است و قبول دارم که توزیع آن با توجه به اینکه برنامه‌ریزی برای این میزان اعتبار در اختیار ما بوده، چندان رضایتبخش نیست .

■آیا فکر می کنید دولت از عملکرد سازمان بهزیستی کشور رضایت دارد؟

دولت چه کسی است؟

■نمایندگان مجلس که بیشترین اظهار نظرها را راجع به عملکرد دستگاه‌ها داشته‌اند . آیا آنها از عملکرد سازمان راضی بوده‌اند؟

قطعاً ایراداتی دارند و بعضاً ایرادات بحقی است . نمایندگان مجلس به هنگام سفر به شهرستان‌ها با خیل عظیمی از افرادی مواجه می شوند که ما هیچ خدمتی به آنها ارائه نمی دهیم . نخستین قضاوت این است که چرا سازمان بهزیستی کار نمی کند و سازمان بهزیستی برای این مردم چه کرده است . پس معترض می شوند و حق دارند . بله . سازمان بهزیستی برای این افراد هیچ کاری نکرده ولی باید در نظر بگیرند که چه میزان اعتبار برای ما اختصاص دادند . ما امسال جزیی‌ترین مخارج را در کنار میزان اعتبار تخصیص یافته گزارش خواهیم کرد و فکر می کنم که نمایندگان مجلس هم متوجه خواهند شد که ما با برآورد هزینه‌های جمعیت هدف، چه تعدادی را می توانیم تحت پوشش داشته باشیم .

■اظهار داشتید که هیچ فراخوانی برای پذیرش مددجوی جدید نخواهید داد . در حالی که در تمام بخش‌هایی که تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار دارد با افزایش سالانه مواجه هستیم اما سازمان بهزیستی پذیرش مددجویان جدید را متوقف کرده است . فکر می کنید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ افزایش جمعیت نیازمند به دریافت خدمات، افزایش نیافتن اعتبارات سازمان، توقف در پذیرش مددجوی جدید، . . .

ما فراخوانی برای پذیرش جدید نداریم چون هنوز از تعداد پشت نوبتی‌های‌مان کم نشده است . سرانجام، این است که باید بودجه ما افزایش پیدا کند .

■مجلس را چگونه متقاعد خواهید کرد؟

امسال هم ۷۸ درصد افزایش داشتیم .

■۷۸ درصد افزایش نسبت به سال قبل نه مجموع سال‌های گذشته .

بله و قبول دارم که این افزایش کافی نیست . باید افزایش سالانه داشته باشیم . از همین افزایش ۷۸ درصد می توانیم مستمری ۸ هزار تومانی را به ۲۵ هزار تومان افزایش دهیم . اگرچه که این افزایش در حد ۳۰۰ درصد بود اما کافی نیست . فقط به آن شرط که این میزان افزایش در هر سال صورت پذیرد تا پایان برنامه چهارم می توانیم وظایفمان را اجرا کنیم .

■سال مالی تیرماه بسته می شود . فکر می کنید جذب مددجوی جدید در نیمه دوم سال ۸۵ که بودجه امسال را در دست دارید اتفاق بیفتد؟

افزایش بودجه را در افزایش مستمری‌ها دخالت خواهیم داد . واقعاً برای ما شرم‌آور بود که مددجوی معلول ما ۸ هزار تومان به عنوان مستمری دریافت می کرد . هم‌اکنون که این رقم به ۲۵ هزار تومان افزایش یافته در واقع پایه، ترمیم شده است . اگر در بودجه متمم ۸۵ هم افزایش خوبی صورت پذیرد می توانیم پذیرش جدید داشته باشیم .

■گفته می شود که حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می برند در حالی که مجموع جمعیت تحت پوشش سازمان بهزیستی یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است . آیا فکر می کنید با این اعداد و ارقام، عدالت برقرار است؟

در حال حاضر حدود ۷ میلیون نفر از جمعیت کشور تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دارند که در واقع دهک پائین جامعه را تشکیل می دهند .

■البته این ۷ میلیون نفر افرادی هستند که این شانس را داشته‌اند که نزد نهادهای حمایتی پرونده تشکیل داده و تحت پوشش قرار گیرند .

ما ۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه می دهیم و منت بر سر یک معلول می گذاریم که مثلاً ماهی ۲۵ هزار تومان مستمری به او می دهیم . یا به یک زن سرپرست خانوار با سه بچه ماهی ۵۰ هزار تومان مستمری می دهیم در حالی که جمع مستمری آن زن سرپرست خانوار با کل یارانه ارزاق و برق و نان و غیره که به او تعلق می گیرد از ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان در ماه تجاوز نمی کند .

■مگر سازمان بهزیستی موظف نبوده که برای جمعیت تحت پوشش خود عدالت ایجاد کند و آیا سازمان بهزیستی با هدف ایجاد عدالت برای نیازمندان جامعه تشکیل نشد؟

شهید فیاض بخش جمله‌ای داشت و همواره می گفت وظیفه ما حمایت از کسانی است که صدایشان به گوش کسی نمی رسد . ما موظفیم بعضی از خانواده‌ها را به هر زحمتی تحت پوشش ببریم، مثلاً آن خانواده‌ای که ۹ فرزند معلول دارد . با فرماندار شهری صحبت می کردم که برای بازدید به یکی از روستاهای توابع رفته بود . پیرزنی را دیده، همراهان از پیرزن پرسیده‌اند که این آقا فرماندار است تو چه خواسته‌ای داری که برایت انجام بدهد؟ پیرزن گفته فرماندار دستور بدهد یک قبر بکنند و همه ما را در آن چال کنند تا از این زندگی نجات پیدا کنیم . اینها همان افرادی هستند که صدایشان به گوش هیچ کس نمی رسد و وظیفه ما پیدا کردن این افراد است تا با اولویت صددرصد تحت پوشش سازمان قرار بگیرند .

■گذشته از اجبار به برقراری عدالت در توزیع نقدینگی و مستمری‌ها، اعتقاد من این است که سازمان بهزیستی در نگرش عادلانه به خوبی عمل نکرده است . گروه‌هایی از نیازمندان واقعی که صرفاً نیاز مالی ندارند از محدوده نگرش سازمان بهزیستی حذف شده‌اند . زنان ویژه و بیماران دچار اختلال هویت جنسی از این محدوده نگرش حذف شده‌اند در حالی که معتادان به مراتب بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند شاید به این دلیل که ماده قانونی در حمایت و ساماندهی وضعیت آنان وضع شده است . اما راجع به زنان خیابانی و حتی بیماران دچار اختلال هویت جنسی هیچ ماده قانونی نیست .

من بارها اعلام کرده‌ام که سازمان بهزیستی سرچشمه علت‌ها است . جمعیت هدف سازمان بهزیستی سرچشمه علت‌ها است در حالی که ما در جامعه با معلول برخورد می کنیم . زن سرپرست خانواده علت است، معلول جسمی حرکتی علت است و اگر آنها را امروز تحت حمایت قرار بدهیم برای فردا از وقوع آسیب اجتماعی پیشگیری کرده‌ایم . معتقدم که خروجی مراکز ما باید با ورودی‌مان فرق داشته باشد چه از نظر تعداد و چه از نظر کیفیت . اما متاسفانه فعالیت ما در آسیب‌های اجتماعی تا به حال محدود و کم‌عمق بوده است . در حالی که با کار فراگیر و رسیدگی خوب به جامعه هدف آن هم نه فقط از بابت دادن مستمری، از آسیب‌های آتی جلوگیری و پیشگیری خواهیم کرد .

■و اگر به نتیجه‌ای که مطلوب و ایده‌آل‌تان بود نرسیدید جمعیت هدف را محکوم به حذف خواهید کرد؟ کاری که بسیاری از مسئولان انجام دادند و گروه‌های بسیاری از جمله زنان خیابانی حذف شدند فقط به این دلیل که فعالیت‌های پیشگیرانه به آن نتیجه مطلوب دست پیدا نکرد .

آن گروه‌ها حذف نمی شوند . می دانید چه اتفاقی می افتد؟ ما چشم‌های‌مان را می بندیم . مثل آن کبکی که سرش را زیر برف فرو برد . شاید آن مسئول بگوید که چشمم را می بندم ولی آن پدیده هست و زیاد هم می شوند . ما خودمان را فریب می دهیم که او را ندیده‌ایم یا می خواهیم که او را نبینیم .

در حالی که همان «او» علت است . من نمی خواهم صورت مسئله را پاک کنم . ولی در وسع اختیارات کار خواهم کرد و وظیفه دارم که نگرش‌ها را اصلاح کنم . من تلاش خواهم کرد شرط و شروط آسیب‌زا را حذف کنم . زن سرپرست خانوار از کجا دو ضامن معتبر و کارمند دولت پیدا کند که وام بگیرد؟ معتادی که اعتیاد خود را ترک کرده و بیکار است و حمایت خانواده را هم از دست داده از کجا دو ضامن معتبر بیاورد که وام بگیرد؟ این شرایط آسیب‌زا است هم برای آن زن سرپرست خانوار هم برای آن معتادی که پاک شده . من تلاش می کنم که این شرایط را با معادل‌های قانونی جایگزین کنم .

بخش پایانی

خلاصه گفت وگو

۱- در میان کشورهای همسایه، ایران از بابت تعداد معتادان رتبه اول است و متاسفانه تعداد معتادانمان بسیار بالا است .
۲-فقر و اعتیاد جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در کشور ما هستند یعنی فعلاً به خط بحران بسیار نزدیک هستیم .
۳- من نمی خواهم صورت مسئله را پاک کنم . ولی در وسع اختیارات کار خواهم کرد و وظیفه دارم که نگرش‌ها را اصلاح کنم . من تلاش خواهم کرد شرط و شروط آسیب‌زا را حذف کنم .
۴-برای ما شرم‌آور بود که مددجوی معلول ما ۸ هزار تومان به عنوان مستمری دریافت می کرد .

نگاه

تهران و ضرورت سیاست سبز

لطیف روحانی

حفظ طبیعت، تلاش برای بهبود کیفیت محیط زیست و رهیافت اکولوژیک (زیست بوم‌شناسی) به زندگی و اندیشه‌های متعلق به قرن نوزدهم هستند . اگر نهضت‌های اجتماعی را براساس نیروی مولد تاریخی آنها یعنی تاثیر آنها بر ارزش‌های فرهنگی نهادهای اجتماعی ارزیابی کنیم نهضت محیط زیست‌گرایی در ربع پایانی قرن بیستم جایگاه ممتازی پیدا کرد . در دهه ۱۹۹۰ هشتاد درصد آمریکایی‌ها و بیش از دوسوم اروپایی‌ها خود را طرفداران محیط زیست می‌دانستند . حفظ طبیعت، ارتقای کیفیت زندگی و نهایتاً نجات کره زمین در بلندمدت و نجات نسل کنونی ساکنان آن در کوتاه‌مدت سرفصل برنامه دولت‌ها و موسسه‌های بین‌المللی قرار گرفت و در همین راستا احزاب و نامزدهایی که برنامه و سیاست‌های خود را سبز نمی‌ساختند برای پیروزی به زحمت می‌افتادند و به همین اندازه شرکت‌های سراسر جهان تحت‌تاثیر محیط زیست‌گرایی قرار گرفتند و تلاش کردند فرآیندها و محصولاتشان را با مقررات جدید، ذائقه‌های جدید و ارزش‌های جدید در کنار کسب سود تطبیق دهند . بدین‌سان محیط زیست‌گرایی به‌عنوان یکی از نهضت‌های اجتماعی بزرگ توانست جنبش‌ها و تشکل‌های اجتماعی گوناگون را تحت لوای عدالت محیط زیست گردهم آورد . بدین ترتیب مفهوم عدالت محیط زیستی و سیاست و مدیریت سبز به‌عنوان مفهوم فراگیری که موید ارزش بهره‌مندی از حیات در تمامی صور آن است در برابر منافع قدرت، ثروت و تکنولوژی قرار گرفت . به تعبیر دیگر ریشه اصلی این تحول چشم‌گیر براساس نحوه اندیشیدن ما به رابطه بین اقتصاد، جامعه و طبیعت است که خود سرآغاز رویکرد مدیریت شهری در اداره کلان‌شهرها و همچنین تغییر رویکرد شهروندان به مدیریت شهری است . شهروندان می‌خواهند بدانند در کنار توسعه سرسام‌آور شهر بر سر طبیعت و محیط زیست شهری و انسان‌های ساکن شهر چه می‌آید و در پشت حقیقت پنهان ساخت و ساز منافع صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و فن‌سالاری (Technocracy) و دیوان‌سالاری چه می‌گذرد؟ در واقع هدف محیط زیست‌گرایی و به‌ویژه در کلان‌شهرها بازیابی کنترل اجتماعی بر محصولات ذهن شهروندان است . پیش از آنکه علم و تکنولوژی حیاتی مختص به خود بیابند و ماشین‌ها در نهایت اراده خود را بر ما و بر طبیعت تحمیل کنند یعنی تحقق افسانه‌ای که یکی از ترس‌های تاریخی و باستانی بشر است . امروز گرم شدن کره زمین هم‌چون تهدیدی مرگبار در افق طالع بشر است . جنگل‌های گرمسیر دچار حریق می‌شوند، مواد شیمیایی سمی عمیقاً وارد زنجیره غذایی شده‌اند و توسعه افسون‌گر شهرنشینی محیط زیست شهری را دچار چالش نموده است . آلودگی صوتی، هوا و آب جان شهروندان را نشانه رفته است و اینها دغدغه‌هایی است که شهروندان را وادار کرده تا خواهان دموکراسی محلی وسیع‌تر، برنامه‌ریزی شهری مسئولانه‌تر و عدالت و انصاف در تقسیم زبان‌های توسعه صنعتی شهری و در عین حال خواهان جلوگیری از رفع مواد سمی و زباله‌ای یا بهره‌برداری‌های زیانبار از آن هستند .

■وضعیت محیط زیست تهران

امروز گستره وسیعی از چشم‌اندازهای طبیعی زیر ساخت‌وساز رفته و دگرگونی زیادی در منظر طبیعی شهر به‌وجود آمده است . در قسمت شرقی توسعه پادگان‌ها و شهرک‌های نظامی با اتصال به جاجرود و پردیس و رودهن یک کریدور شهری به طول سی کیلومتر به‌وجود آمده است . در قسمت غربی توسعه‌ای صنعتی با پر کردن فضاهای موجود بین کرج- تهران بزرگ‌ترین کریدور صنعتی کشور را در خود جای داده و ادامه آن در محور کرج- قزوین، با بارگذاری جدید که در محدوده شهر صنعتی هشتگرد انجام می گیرد، این توسعه را تا آبیک کشانده و در آینده به قزوین وصل خواهد کرد . در محور شمال نیز با نفوذ خزنده ساخت و ساز که بیشتر ناشی از اهرم‌های قدرت نهادهای دولتی است تپه ماهورها، دامنه و دره‌ها را یکی پس از دیگری هدف قرار داده‌اند و با ایجاد شهرک‌ها و تاسیسات جدید آخرین بازمانده از مظاهر طبیعی این دامنه را به زیر ساخت و ساز می‌برند . این در حالی است که بیشتر خودروهای فعال در تهران بیش از ۱۲ سال عمر دارند و از طرفی می‌دانیم که میزان مجاز سرب در بدن ۰/۴ تا ۰/۵ PPM (یک میلیونیم یا یک قسمت در یک میلیون قسمت) است که هر تهرانی روزانه ۰/۵ گرم سرب به بدن خود وارد می‌کند . اگر این رقم به ۰/۸ PPM برسد مسمومیت ایجاد می‌شود . شصت درصد آلودگی هوای تهران از وسایل نقلیه تولید می‌شود . حداقل فضای سبز برای هر نفر در شهرهای بزرگ ۱۵ متر مربع است، در حالی که برای هر تهرانی ۷ متر مربع فضای سبز داریم . از طرفی ما نمی‌دانیم که ما هر سال دو تا سه میلیون تن زباله به رودخانه‌ها سرازیر می‌کنیم و انگار که نمی‌دانیم که هر ۱۰۰۰ لیتر آب، ۷۵۰ لیتر فاضلاب تولید می‌کند و هر متر مکعب فاضلاب چهل متر مکعب آب سالم را آلوده می‌کند و این در حالی است که نبودن سیستم فاضلاب سبب آلودگی آب‌های زیرزمینی می‌شود . خلاصه تهران از بحران محیط زیست شهری رنج می‌برد که با حرف، شعار و نمایش درمان نمی‌شود .

■مولفه‌های سیاست و مدیریت سبز (چگونه بیندیشیم)

۱- مدیران و سیاستگزاران شهری و هم‌شهروندان ما باید متوجه باشند که جنبش محیط زیست‌گرایی مخالف علم و توسعه نیست بلکه زمان و شکوفایی حیات بشری و غیربشری در کره زمین را به خودی خود ارزشمند می‌داند .

۲- غنا و تنوع صور حیات به تحقق ارزش فوق‌الذکر کمک می‌کند . باید غنا و صور طبیعت حفظ شود .

۳- انسان‌ها حق ندارند از این غنا و تنوع بکاهند مگر پای نیازهای حیاتی در بین باشد .

۴- مداخله فعلی بشر در دنیای غیربشری افراطی است . توسعه نامتوازن تهران وضعیت محیط زیست شهری را دچار بحران می‌کند و اوضاع و احوال را بدتر می‌کند .

۵- باید خط‌مشی‌ها تغییر کند و ساختارهای اسامی اقتصادی تکنولوژی و ایدئولوژیک شهر با خط‌مشی‌های محیط زیست‌گرایان منطبق و هماهنگ شده و اوضاع و احوال فعلی تغییر یابد .